اَلتَّمارين

دروازه نامه درس طلعه ای مناسب برای توضیحات زیر پیدا کن.

اَلتَّمْرينُ الْأَوَّلُ: اِبْحَثْ في مُعْجَمِ الدَّرسِ عَنْ كَلِمَةٍ مُناسِبَةٍ لِلتَّوضيحاتِ التّالِيَة.

۱ـ أُسْلوبٌ أَوْ فَنٌّ في إنْجاز عَمَل، أَوْ طَريقٌ يَخْتَصُّ بِمِهْنَة، أَوْ عِلْمُ الصِّناعَةِ الْحَديثَة. هنری یا هنری در انجام کاری، یا راهی که به یک شغل، یا دانش صنعت جدید اختصاص دارد. التِّقْنِيَّة: فناوری

۲ـ مَمَرٌّ تَحْتَ الْأَرْضِ أَوْ في الْجَبَلِ، طولُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَرْضِهِ، لَهُ مَدْخَلٌ وَ مَخْرَجٌ. راهروی زیر زمین یا در کوه، طولش بیشتر از عرضش است، ورودی و خروجی دارد. النَّفَق: تونل

۳ـ مِنطَقَةٌ مُرتَفِعَةٌ فَوقَ سَطحِ الأَرضِ، أَصغَرُ مِنَ الجَبَلِ. منطقه‌ای بلند بالای سطح زمین، کوچکتر از کوه است. التَّلّ: تپه

٤ـ مَكانُ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ النُّحاسِ وَ نَحْوِها في الْأَرْض. محل طلا و نقره و مس و مانند آن در زمین. المَنجَم: معدن

۵ـ اَلَّذي يَسْعىٰ في إنجاز عَمَلِهِ، وَ لا يَشْعُرُ بِالتَّعَب. کسی که در انجام کارش تلاش می‌کند و احساس خستگی نمی‌کند. الدَّؤوب: (فعّال)

٦ـ وَزْنٌ يُعادِلُ أَلْفَ كيلوغرام. وزنی برابر هزار کیلوگرم. الطُّنّ: (یک تن)

اَلتَّمْرينُ الثّاني: اِقْرَأِ النَّصَّ التّالِيَ؛ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِماتِ الْحَمْراءِ، وَ عَيِّنِ الْمَطلوبَ مِنْكَ.

بخوان متن زیر را و سپس معنی کن ترجمهٔ کلمات قرمز را و معنی کن خواسته شده از تو را.

اَلْخُطبَةُ الْمِئَتانِ وَ الرّابِعَةُ وَ الْعِشْرونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلاغَة

... وَ اللهِ، لَوْ أُعْطيتُ الْأَقاليمَ السَّبْعَةَ بِما تَحْتَ أَفْلاكِها عَلَى أَنْ أَعْصيَ اللهَ في نَمْلَةٍ أَسْلُبُها جُلْبَ شَعيرَةٍ، ما فَعَلْتُ. وَ إنَّ دُنْياكُم عِنْدي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ في فَمِ جَرادَةٍ تَقْضَمُها. ما لِعَلِيٍّ وَ لِنَعيمٍ يَفْنىٰ وَ لَذَّةٍ لا تَبْقىٰ؟! نَعوذُ بِاللهِ مِنْ سُباتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ وَ بِهِ نَسْتَعينُ.

خطبهٔ دویست و بیست و چهارم نهج البلاغه

به خدا، اگر سرزمین‌های هفتگانه با هرچه زیر آسمان‌هایشان هست به من داده می‌شد تا در مورد مورچه‌ای از خدا نافرمانی کنم و پوستِ جویی را از آن به‌زور بگیرم، انجام نمی‌دادم؛ و بی‌گمان دنیایتان نزدِ من از برگی در دهانِ ملخی که آن را می‌جود، پست‌تر است. علی را چه کار با نعمتی که نابود می‌شود و لذّتی که نمی‌ماند؟! از به خواب رفتن خِرد و زشتیِ لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.

۱- **إنْجاز:** انجام ۲- **سَلَبَ ـُ:** أَخَذَ مِنْهُ قَهْراً ۳- **اَلْجُلْب:** قِشْرُ النَّباتِ وَ خَشَبُهُ ٤- **اَلشَّعيرَة:** حَبَّةُ نَباتٍ
۵- **اَلْأَهْوَنُ:** اَلْأَحقَر ٦- **اَلْجَراد:** حَشَرَةٌ مُضِرَّةٌ تَأكُلُ الْمَحاصيلَ الزِّراعيَّةَ وَ النَّباتاتِ ۷- **قَضَمَ ـَ:** كَسَرَ بِأَطرافِ أَسنانِهِ
۸- **اَلنَّعيم:** اَلْمال، اَلْجَنَّة ۹- **اَلسُّبات:** اَلنَّوْمُ الْخَفيفُ ۱۰- **اِسْتَعانَ:** طَلَبَ الْمُساعَدَةَ